گزارش خبری

اهمیت دوره پیش‌دبستانی و نقش آن در کاهش نابرابری قومیتی آموزش

سیاوش دلاور

آزمون پرلز یک مطالعه بین‌المللی برای سنجش توانایی دانش‌آموزان کلاس چهارم (حدود ۱۰ساله) کشورهای مختلف در درک متون به زبان معیار آن کشورهاست. این آزمون از سال ۲۰۰۱ هر پنج سال یک بار توسط انجمن بین‌المللی ارزیابی دستاوردهای آموزشی برگزار می‌شود. هدف از برگزاری این آزمون، ارزیابی کیفیت سوادآموزی در سیستم‌های آموزشی و توانایی دانش‌آموزان در فهم متون نوشتاری است. کشور ما نیز در کنار حدود ۶۰ کشور دیگر در این مطالعه بین‌المللی شرکت می‌کند. این تحلیل برگرفته از اجرایی دوره این آزمون بوده که در سال ۲۰۲۱ انجام گرفته و نتایج آن در سال اخیر منتشر شده است.

آزمون پرلز دربرگیرنده یک حوزه‌ی دیگر به‌نام سؤال است که در آن به هر دانش‌آموز دو متن داده می‌شود و سپس سؤالاتی از متون دفترچه سؤالات آن دانش‌آموز پرسیده می‌شود. افزون بر دفترچه سؤال، چهار پرسش‌نامه نیز در اختیار دانش‌آموز، والدین، معلم و مسئولین مدرسه قرار می‌گیرد که با بررسی آنها می‌توان به اطلاعات ارزشمندی در مورد محیط خانه و مدرسه کودکان دست یافت. این پرسش‌نامه‌ها راه را بر پژوهشگران در ارائه تجزیه‌وتحلیل‌های ارزشمند، هموار می‌کند. علت اینکه مخاطب این آزمون دانش‌آموزان کلاس چهارم هستند، این است که دانش‌آموزان در این سن دانش پایه‌ای لازم برای پیشرفت در مقاطع تحصیلی بالاتر را کسب می‌کنند. طراحی و ترجمه سؤالات آزمون به کمک همکاران محلی در کشورهای شرکت‌کننده انجام می‌شود.

در فرایند نمونه‌گیری، جامعه هدف تمام دانش‌آموزان کلاس چهارمی هستند و انتخاب نمونه در هر کشور با مشارکت کارشناسان محلی و در دو مرحله انجام می‌شود. در مرحله اول، مدارس هدف به طور تصادفی انتخاب می‌شوند و در مرحله دوم از بین مدارس گزینش‌شده، کلاس یا کلاس‌هایی انتخاب می‌شود. در مرحله انتخاب مدارس تلاش شده است تا با دسته‌بندی مدارس براساس مؤلفه‌هایی همچون مکان جغرافیایی، دخترانه یا پسرانه بودن و خصوصی یا دولتی بودن، نمونه انتخاب‌شده تا حد ممکن بازتاب‌دهنده تکثر جامعه هدف باشد. ایران در سال ۲۰۲۱ در حدود ۴۴ هزار مدرسه ابتدایی با حدود ۱۳۵ هزار دانش‌آموز کلاس چهارمی داشته است که از میان آنها شش هزار دانش‌آموز از ۲۱۸ مدرسه برای شرکت در آزمون برگزیده شده‌اند. لازم به یادآوری است که ایران از نظر نمرات کسب‌شده توسط دانش‌آموزان، نسبت به سایر کشورها از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

در این گفتار، تلاش بر آن است تا تأثیر دوره پیش‌دبستانی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مورد ارزیابی قرار گیرد. از مجموع تمام دانش‌آموزان کلاس چهارمی شرکت‌کننده در آزمون پرلز سال ۲۰۲۱، در حدود ۸۲ درصد در دوره پیش‌دبستانی شرکت داشته و ۱۸ درصد به پیش‌دبستانی نرفته‌اند. چنان که در نمودار دیده می‌شود، دانش‌آموزانی که دوره پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند، به طور نسبی عملکرد بهتری در درک متون فارسی از خود نشان می‌دهند. اهمیت این تحلیل زمانی بیشتر خودنمایی می‌کند که به این نکته توجه کنیم که کشور ما از نظر قومگونی قومی و زبانی از جمله سرآمدان دنیاست و چنان که می‌دانیم، اولین مواجهه جدی کودکان در بخش‌ها و مناطقی از کشورمان با زبان فارسی، در مدرسه رخ می‌دهد. بنابراین دوره پیش‌دبستانی می‌تواند نقش مهمی در آشنایی کودکان با زبان فارسی پیش از شروع دوره ابتدایی ایفا کند.

در پرسش‌نامه مربوط به والدین در آزمون پرلز، از پدر و مادر دانش‌آموزان سؤال می‌شود که فرزند شما در منزل به چه میزانی به زبان فارسی صحبت می‌کند. از مجموع تمام دانش‌آموزان شرکت‌کننده در آزمون، در حدود ۷۰ درصد همیشه، هشت درصد گاهی اوقات و ۱۷ درصد گاهی به زبان فارسی گفت‌وگو کرده و بیش درصد نیز هیچ‌گاه به زبان فارسی سخن نمی‌گویند. به نمودار سمت چپ نگاه کنید. جفت ستون‌های سمت راست مربوط به دانش‌آموزانی است که در منزل به زبان فارسی گفت‌وگو نمی‌کنند و جفت ستون‌های بعدی مربوط به دانش‌آموزانی است که به ترتیب گاهی، غالبا و همیشه در منزل به زبان فارسی تکلم می‌کنند. چنان که هویداست، هرچه میزان تکلم به زبان فارسی در منزل کاهش پیدا می‌کند، تفاوت نمرات دانش‌آموزانی که دوره پیش‌دبستانی را گذرانده‌اند با سایر دانش‌آموزان بیشتر بوده و بنابراین تأثیر دوره پیش‌دبستانی در ارتقای نمرات دانش‌آموزان و موفقیت آنها در درک متون فارسی بیشتر است. از این نمودار به‌روشنی می‌توان دریافت که گذراندن دوره پیش‌دبستانی می‌تواند به کاهش شکاف قومیتی و زبانی در عملکرد دانش‌آموزان بینجامد.

از تحلیل بالا می‌توان به پیشنهاداتی برای سیاست‌گذار سید. مضاف بر اینکه تأثیر گذراندن دوره پیش‌دبستانی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان قابل چشم‌پوشی نیست، به نظر می‌رسد که با توجه به نقشی که دوره پیش‌دبستانی در کاهش شکاف میان نمرات دانش‌آموزان مناطق فارس‌نشین و مناطقی که اقلیت‌های قومی و نژادی در آن ساکن هستند ایفا می‌کند، تشویق والدین و ایجاد امکانات و بسترهای مناسب برای ترویج نام‌نویسی کودکان در دوره پیش‌دبستانی می‌تواند شکاف ایجادشده را تا حدی پوشش دهد. نکته جالب توجه آن است که ۸۳ درصد کودکان در خانواده‌هایی که در آنها کودکان همیشه و یا غالبا به زبان فارسی صحبت می‌کنند در دوره پیش‌دبستانی شرکت کرده‌اند و این درحالی است که این نسبت در خانواده‌هایی که کودکان آنها فقط گاهی به زبان فارسی صحبت می‌کنند ۷۹ درصد و در خانواده‌هایی که کودکان آنها هیچ‌گاه به زبان فارسی صحبت نمی‌کنند ۷۳ درصد است. در این میان نمی‌توان از نقش رسانه‌های جمعی نیز غافل شد. رسانه‌های جمعی و به‌ویژه تلویزیون می‌تواند با پخش برنامه‌های جذاب برای کودکان به زبان فارسی، در کاهش این شکاف مؤثر باشد که البته بحث در این مورد در این نوشتار نمی‌گنجد.

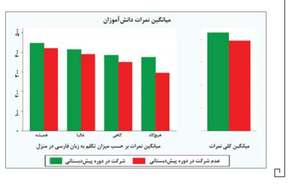

آغاز نابرابر؛ بحران بازماندگی از پیش‌دبستانی در ایران

توسعه آموزش‌های اوان کودکی (early childhood education)، دست‌کم از چهار منظر مورد توجه جدی دولت‌های رفاهی در جهان است: منظر نخست، تعیین‌کننده‌گی چشمگیر این آموزش‌ها در گسترش برابری به‌ویژه برابری‌های آموزشی در دوران تحصیل است. در درجه بعد، ارائه این دوره به منظور فرصت‌بخشیدن به گسترش برابری جنسیتی و قدرت‌یابی زنان مورد توجه است. سومین بعد اهمیت این دوره، نقش آن در توسعه سلامت عمومی است و در نهایت پژوهش‌های بسیاری از نقش کلی‌تر این آموزش‌ها بر توسعه اقتصادی کلان حکایت دارند. مجله سیاست‌گذاری آموزش صدبرگ در همکاری با روزنامه شرق در پرونده «آغاز نابرابر»، اختصاصا از زاویه نگاه برابری به مسئله آموزش‌های اوان کودکی و به طور خاص، آموزش پیش‌دبستانی (pre-primary education) پرداخته است. این پرونده کوشیده است یادداشت‌هایی از زاویه نگاه تاریخی، تطبیقی، تجربی و سیاست‌پژوهانه تنظیم و ارائه کند. مجله سیاست‌گذاری آموزش صدبرگ، مجموعه‌ای متشکل از پژوهشگران و فعالان مدنی حوزه آموزش است که می‌کوشند با دوا برار داده‌کاوی و روایت‌نگاری، صدای واقعیت‌های موجود در میدان آموزش و پیامدهای خواسته و ناخواسته سیاست‌ها را به گوش سیاست‌گذاران برسانند و برای تأمین منافع کودکان این سرزمین، از دولت حمایت طلبند.

گزارش تحقیقی «شرق» از نزول کیفیت پیش‌دبستانی و خطر به پایان رسیدن نهاد مدرسه تا شدت بحران در نظام عالی آموزش

مدرسه در مثلث خطر

نسترن فرخه

داده‌های به‌دست‌آمده بیش از ۱۰ استان کشور نشان می‌دهد وضعیت کمی و کیفی پیش‌دبستانی مخصوصا در مناطق روستایی و محروم، شرایط نامطلوبی دارد. این داده‌ها که عمدتا در گفت‌وگوی «شرق» با مربیان و مسئولان پیش‌دبستانی‌ها به دست آمده است، نشان می‌دهد محرومیت کودکان از آموزه‌های قبل از دبستان به شکل مستقیم در کیفیت آموزش آنها تا مقاطع بالاتر اثر خواهد داشت که در سال‌های اخیر بد و بدتر هم شده است. برای مثال نتایج آزمون‌های بین‌المللی تیمز ۲۰۲۳ و نتایج پرلز نشان می‌دهد ۴۰ تا ۴۵ درصد دانش‌آموزان ما در پایه‌های چهارم و هشتم حداقل‌های یادگیری را کسب نمی‌کنند. مابقی هم که نزدیک به ۴۰ درصد دانش‌آموزان هستند، عملکرد زیر متوسط دارند. یعنی ۸۰ درصد دانش‌آموزان ما نمی‌توانند عملکرد بالای متوسط داشته باشند و این یک هشدار جدی برای سیستم آموزشی کشور به حساب می‌آید.

پیش‌دبستانی کالایی لوکس که تا آموزش عالی اثر خواهد داشت

بررسی‌های خبرنگار «شرق» و تماس با مربیان و معلم‌های پیش‌دبستانی در ۱۰ استان مختلف کشور، نشان می‌دهد وضعیت کمی و کیفی پیش‌دبستانی‌ها مخصوصا در نقاط محروم‌تر چندان تعریفی ندارد که همین به تازگی مطرح شده است. این داده‌ها در مصاحبه با مناطقی همچون آذربایجان غربی، خراسان، سیستان‌وبلوچستان، فارس، کرمان، کرمانشاه، لرستان، هرمزگان، گلستان، خراسان شمالی و کهگیلویه‌وبویراحمد به دست آمده است. با در نظر گرفتن مناطق محروم و حتی متوسط این استان‌ها و با وجودی که درصد بالایی از پیش‌دبستانی‌ها به‌صورت دولتی در مدارس دفاتر آموزش و پرورش یا نیز نمی‌توان سیاستی یکپارچه و برنامه‌ریزی‌شده قلمداد کرد. در این دوره، مدارس ابتدایی به دلیل روند کاهشی جمعیت دانش‌آموزی، با شرط خالی‌بودن فضای آموزشی مجازیه را ارائه دوره پیش‌دبستانی شدند اما تنها در مناطق محروم و دورافته، این پیش‌دبستانی‌های دولتی رایگان ارائه می‌شد و مابقی کودکان موظف به پرداخت هزینه‌های معلم بودند. وجود ارائه نیمه‌خصوصی پیش‌دبستانی در این دهه، شاهد افزایش نرخ پوشش حتی تا سطح ۶۰ درصد نیز هستیم. علت تاکید بر نظام‌یافته نبودن توسعه در این دهه را خود، در هنگام ثبت‌نام کودکان، معمولا کاملا سلیقه‌ای عمل می‌کنند. برای مثال کودک دارای معلولیت یا اختلال یادگیری و حتی کودکی از خانواده پایین‌تر را که حق ثبت‌نام دارد، با بهانه‌هایی مثل اینکه ظرفیت تمام شده است، ثبت‌نام نمی‌کنند که همین به خارج‌شدن کودک از چرخه تحصیل دامن می‌زند. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از این مناطق، بسیاری از خانواده‌ها چون توان مالی چندانی برای مقطع پیش‌دبستانی ندارند و اجباری هم برای گذراندن این دوره نیست، تنها یک یا دو ماه کودک‌شان را ثبت‌نام می‌کنند که همین در روند تحصیل دبستان کودک اثر دارد. در صحبت با معلم‌های اول تا ششم ابتدایی که در نقاط مختلف کشور از مناطق روستایی و محروم تا متوسط و مرفه تدریس کرده‌اند، یک داده قطعی وجود داشته است؛ همه تاکید دارند که گذراندن پیش‌دبستانی برای کودکان حتی در مقاطع بالاتر هم اثر خواهد گذاشت. به‌طوری که معلم در هفته اول آموزش از نوع ارتباط کودک با کلاس متوجه این موضوع خواهد شد. برای مثال، یکی از روایت‌ها از قشم که کارشناس اختلال یادگیری شرح می‌داد، درباره کودکی با اختلال یادگیری بود که چون پیش‌دبستانی حاضر به ثبت‌نام او نشده بود، در کلاس اول زمان زیادی برای جبران و درمان این موضوع وجود نداشته و همین منجر به مردودی کودک شده است. بالاخره کودک باید در کلاس‌های شبانه شرکت می‌کرده که خانواده پس از دو سال تلاش دیگر توان خود برای پیگیری را از دست می‌دهد و کودک از چرخ تحصیل خارج می‌شود.

احتمال بازی نهاد مدرسه

جلال کریمیان، تحلیلگر نظام آموزشی، باور دارد که دوره پیش‌دبستانی این روزها به دلایل مختلف، همچون وضعیت معیشتی خانواده‌ها و بحران‌های اقتصادی کشور، به یک کالای لوکس تبدیل شده که هر خانواده‌ای فرزندش را برای این آموزه‌های قبل از مدرسه ثبت‌نام نمی‌کند. بنابراین شکاف اقتصادی و فرهنگی باعث تداوم این وضع شده است. این پژوهشگر به اهمیت وجود نابرابری فرهنگی و اقتصادی حال حاضر می‌پردازد که به‌طور جدی در وضعیت تحصیل و سیستم آموزشی اثر خواهد داشت و بررسی‌های «شرق» در استان‌های مختلف کشور هم همین را نشان می‌دهد. ایشان در شروع صحبت‌هایش به «شرق» می‌گوید: «خانواده‌هایی که از نظر فرهنگی و اقتصادی پایین‌تر هستند، قطعا کودکان‌شان توانایی‌های کمتری برای ورود به مدرسه دارند. با همه این مسائل، برقراری پیش‌دبستانی باکیفیت، کار سخت و دشواری نخواهد بود و فقط نیاز به برنامه‌ریزی دارد. مثلا در نیمه دهه ۹۰ که نهضت نسبتا خوبی ایجاد شد، پیش‌دبستانی‌ها تا حدی کیفیت داشتند. بنابراین ما با تدابیری می‌توانیم به‌صورت تدریجی این شرایط را فراهم کرده و امکانات برای پیش‌دبستانی را همه‌گیر کنیم. در اولین قدم یک مطالعه‌گری در همه سطوح از جامعه، متخصص‌ها و مدیران برای پرورش انجام شود. یعنی یک سیاست حمایتی در شرایط سخت جامعه برای پیش‌دبستانی در نظر گرفته شود».

پیش‌دبستانی؛ طفلی رهاشده

فاطمه‌مقدسی
دکترای جامعه‌شناسی و فعال مدنی حوزه آموزش

یکی از عرصه‌هایی که خصوصی‌سازی آن کمتر مورد توجه حوزه عمومی در ایران است، خصوصی‌سازی گسترده آموزش پیش‌دبستانی بوده در دهه‌های اخیر است. دریک تعریف کلان، خصوصی‌سازی آموزش فرایندی است که در آن دولت از مجموعه‌ای از دارایی‌ها، فعالیت‌ها و مسئولیت‌های خود عقب‌نشینی می‌کند و بخش خصوصی به طور فزاینده، طیف وسیعی از این مسئولیت‌ها را تحت کنترل درمی‌آورد. حال پرسش اینجاست که آیا اساسا حوزه آموزش پیش‌دبستانی، هیچ‌گاه در ایران دولتی بوده است که بتوان از خصوصی‌سازی آن سخن گفت؟ در این جستار، مروری خواهیم داشت بر فرازوفرودهای پیش‌دبستانی در ایران. نهاد کودکستان در ایران مانند مدرسه از ابتدای پیدایش، نهادی خصوصی‌نیاد بود. در طول دهه ۴۰ حوزه پیش‌دبستانی تنها به اداره‌ای در وزارت فرهنگ خلاصه می‌شد و ورود حاکمیت به آن از جنس سیاست‌گذاری کلان به شمار نمی‌آمد. گشودن‌شدن پنجره سیاستی به توسعه پیش‌دبستانی را نخستین بار باید در پیوند با تحولات منطقه‌ای و افزایش قیمت نفت، بررسی کرد. در سال ۱۳۵۲ شاه فرمان تحصیل رایگان همه کودکان و دانش‌آموزان کشور از کودکستان به بالا را صادر کرد. در این فرمان آموزش کودکان یک سال قبل از مدرسه (پیش‌سالگی)، اجباری و رایگان اعلام شد و مدارس ملی موجود حتی در حوزه پیش‌دبستانی مشمول خرید خدمات از سوی دولت شدند. هرچند در لحظه تدوین‌شدن این فرمان به «قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایران» در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۵۴ و پس از آن به‌عنوان ماده ۱۵ انقلاب سفید، موضوع اجباری و رایگان‌بودن کودکستان‌ها حذف می‌شود اما به دلیل تاکید ویژه برنامه نهضت عمرانی بر این حوزه و البته افزایش چشمگیر سهم هزینه‌های آموزش از بودجه عمومی، پیش‌دبستانی در این دهه توسعه‌ای طرف بخش خصوصی و ارائه دوره یک‌ماهه آمادگی برای نوآموزان مناطق عشایری و روستایی دوزبانه، تاکید می‌شود. در طرح کلیات نظام آموزش و پرورش مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۷ نیز موضوع اجباری و رایگان‌سازی پیش‌سالگی به‌عنوان یک مطرح می‌شود. اما دولت به دلیل کمبود بودجه و بحران افزایش جمعیت دانش‌آموزی با این تغییر مخالفت می‌کند. در دهه ۷۰، هرچند سهم پیش‌دبستانی‌های خصوصی به ۳۰ درصد کاهش می‌یابد اما تبعا ۴۲ درصد از کل واجدان شرایط از پیش‌دبستانی برخوردارند و ۶۰ درصد از دریافت‌کنندگان این دوره، تنها از آموزشی یک‌ماهه بهره می‌برند. در سال‌های پایانی دهه ۷۰ تا میانه دهه ۸۰، وضعیت دسترسی و ارائه دولتی پیش‌دبستانی، کمی بهبود می‌یابد اما همین در دوران با نرم نمی‌توان سیاستی یکپارچه و برنامه‌ریزی‌شده قلمداد کرد. در این دوره، مدارس ابتدایی به دلیل روند کاهشی جمعیت دانش‌آموزی، با شرط خالی‌بودن فضای آموزشی مجازیه را ارائه دوره پیش‌دبستانی شدند اما تنها در مناطق محروم و دورافته، این پیش‌دبستانی‌های دولتی رایگان ارائه می‌شد و مابقی کودکان موظف به پرداخت هزینه‌های معلم بودند. در این دوره نیمه‌خصوصی پیش‌دبستانی در این دهه، شاهد افزایش نرخ پوشش حتی تا سطح ۶۰ درصد نیز هستیم. علت تاکید بر نظام‌یافته نبودن توسعه در این دهه را می‌گوید: «باید این موضوع طرح شود که پیش‌دبستانی در تمام کشور همگانی شود و بعد به سیاست‌های نگهداری کودک و فرزند بپردازیم. این کارها باید به‌صورت تدریجی اتفاق بیفتد. مثلا در سال اول برخی مناطق تحت پوشش بروند، بعد کم‌کم مناطق دیگر اضافه شوند و بودجه مدنظر هم کم‌کم جذب شود. در این زمینه وزارتخانه‌ها می‌توانند کمک کنند و بودجه اختصاصی برای آموزش و پرورش ارائه دهند. از بخش خصوصی هم می‌توان برای ارائه توسعه و سرمایه‌گذاری استفاده کرد. برای این کار تدریجی هم می‌توان پشتوانه‌ای قانونی داشت که دولت آن را ارائه دهد. بخش دیگر آن به اجرا برمی‌گردد. آموزش و پرورش باید بتواند ایده‌های کارآمدی برای دوره پیش‌دبستانی ارائه دهد. مثلا بررسی شود در حوزه معلم‌های پیش‌دبستانی چه اقدامی باید انجام دهیم؛ یعنی چه آموزشی دهیم و چگونه آنها را به کار بگیریم. در کنارش باید از ظرفیت‌های فعلی آموزش و پرورش کمک بگیریم که استخدامی و اضافه بر سازمان هستند. آنها را هم می‌توان ذخیره‌ای دید که به این دوره‌ها ببیوندند».

در بررسی‌ای که از چند استان مختلف کشور صورت گرفت، بسیاری از مربی‌ها در این دوره‌های مورد نیاز آنها برای آموزش گافی مربیگری و معلمی نقد داشتند؛ بنابراین بسیاری به‌صورت خودجوش خودشان آموزه‌هایی را کسب کرده بودند. کریمیان دقیقا به همین موضوع اشاره دارد که طبعا می‌تواند موضوع به این صورت باشد که به درستی آموزشی به این افراد داده نشده باشد. در این حوزه باید دقیق‌تر بررسی کرد و متخصص آن وارد شود و پیشنهادهایی را برای بهبود ارائه دهد. این موضوع به یک ارائه خاص در بدنه خود آموزش و پرورش نیاز دارد که اگر این ارائه نباشد، طرح قطعا به بن‌بست خواهد رسید. مثلا نشانواره ویژه و بدنه در این طرح دیده شده باشد. بنابراین باید خیلی جدی به این موضوعات نگاه شود و نهضتی در این زمینه ایجاد شود. هرچه این توسعه پیش‌دبستانی با طرح تغییر نظام آموزش و پرورش، رقم خورد، در کلیت آموزش و پرورش و در دیگر مناطق مانند دهه ۸۰ به صورت مشارکتی ارائه می‌شد. تخصیص اعتبار به حوزه پیش‌دبستانی تا سال ۱۳۹۹ ادامه داشت، اما ظهور کرونا از یک سو و مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی برای شکل‌گیری سازمان ملی تعلیم و تربیت مدارس ابتدایی دولتی، کلاس‌های پیش‌دبستانی خود را تعطیل کردند و معلمان آن به مقطع ابتدایی منتقل شدند. این تغییر غیرحرفه‌ای و دفعی، ۳۴۷ هزار هزار نوآموز پیش‌دبستانی در مدارس دولتی را ناگزیر از ثبت‌نام در بخش خصوصی کرد و دوه‌ها هزار کودک بعد از این تغییر به دلیل هزینه‌های سنگین پیش‌دبستانی از ثبت‌نام انصراف دادند. برخی به خصوصی‌سازی پیش‌دبستانی در این دوره، از جمله آشکار است که دفتر آموزش پیش‌دبستانی، به زیرمجموعه سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی منتقل می‌شود. با تغییر دولت در دهه ۹۰، تلاش‌های برای بازگشت پیش‌دبستانی به مدارس دولتی در مناطق محروم و دورافته آغاز شد و برای نخستین‌بار در قانون برنامه پنجم در سال ۱۳۹۵، دو ماده «اعتبارات توسعه کمّی و کیفی آموزش پیش از دبستان» تخصیص داده شد. اما با وجود مهم‌بودن این تلاش، این بودجه، در سال تنها معادل دو دهم درصد از کل بودجه آموزش و پرورش به شمار می‌آمد. در همین دوره بخشی از ردیف بودجه «تهیه‌بخشی به فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و توسعه عدالت آموزشی» به پیش‌دبستانی تخصیص داده می‌شود اما هر دو این اعتبارات در بهترین حالت تنها می‌توانست یک درصد از کل بودجه را به حوزه‌ای اختصاصی دهد که در طول دهه ۸۰ اتفاق افتاده بود. با این افزایش بودجه، نرخ پوشش پیش‌دبستانی، تا سطح ۶۰ درصد از کل جمعیت گروه سنی افزایش یافت و ۳۰ درصد از پیش‌دبستانی‌ها در مدارس دولتی ابتدایی تشکیل می‌شد. با این حال پیش‌دبستانی‌های دولتی، تنها در مناطق دوزبانه و محروم رایگان بود و در دیگر مناطق مانند دهه ۸۰ به صورت مشارکتی ارائه می‌شد. تخصیص اعتبار به حوزه پیش‌دبستانی تا سال ۱۳۹۹ ادامه داشت، اما ظهور کرونا از یک سو و مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی برای شکل‌گیری سازمان ملی تعلیم و تربیت دارید که می‌تواند بخشی از کار را بر عهده بگیرد. بااین‌حال، دو موضوع مهم وجود دارد: اول اراده و فهمی برای پی‌بردن به ضرورت اینکه هیچ‌وقت در آینده نمی‌توان از زیر این مسئله بیرون آمد و دوم اینکه نیاز به برنامه اجرائی خوبی برای این موضوع است. این دو در عرصه سیاست‌گذاری مهم‌ترین عناصر هستند و اگر الزام وجود نداشته باشد، دومی هم ایجاد نخواهد شد. بنابراین به نظر باید دوره‌ای برای یک‌ساله به لحاظ کفتمانی و مطالعه‌گری بگذرد، این موضوع برزنگ و رسانه‌ای شود و تمرکز پیناسیاست‌گذارانه در نظر گرفته شود. بعد هم آرام‌آرام خود مدارس و معلم‌های مناطق از بدنه آموزش و پرورش مطالبه کنند».

از طرفی با تغییر سیستم نظارتی پیش‌دبستانی‌ها از بهزیستی به سازمان تعلیم و تربیت، مربی‌ها و صاحبان پیش‌دبستانی نقدهایی به کیفیت کتب و روند این سازمان داشتند که بدون هیچ حمایت مادی، اجبار به انجام برخی فعالیت‌ها در پیش‌دبستانی دارد که بار این بخش را بیشتر خواهد کرد. کریمیان درباره این موضوع اشاره می‌کند: «نقدی که به سازمان تعلیم و تربیت کودک در مورد نحوه ارائه‌اش در این سه سال وارد است، این است که روی محتوا تمرکز کرده که حمایت مالی آنها هم از اجرای آن نمی‌کند. بنابراین چه دلیلی دارد وقتی دولت پشتیبانی نمی‌کند، برای به دوش نحوه آموزش بگذارد. از طرفی محتوا هم دچار مشکل است و ما متخصص‌های خوبی در این زمینه داریم که سال‌ها از کتب آنها در پیش‌دبستانی استفاده می‌شده است. در هر حال، اگر این وضعیت بدون مداخله صحیح به همین شکل پیش رود، به سمت نزول حرکت خواهد کرد. الان نتایج آزمون‌های تیمز ۲۰۲۳ و نتایج پرلز، سواد خواندن و نوشتن کودکان را اندازه‌گیری کرده که نشان می‌دهد ۴۰ تا ۴۵ درصد دانش‌آموزان ما در پایه‌های چهارم و هشتم حداقل‌های یادگیری را کسب نمی‌کنند. این یعنی ۴۰ درصد کاملا از دایره خارج می‌شوند. مابقی هم نزدیک به ۴۰ درصد دانش‌آموزان عملکرد زیر متوسط دارند. این نشان می‌دهد ۸۰ درصد دانش‌آموزان ما نمی‌توانند عملکرد بالای متوسط داشته باشند. درحالی‌که این درصد قبلا ۷۰ درصد بود و الان به ۸۰ رسیده که دیگری چیزی جز سقوط را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. کشور ما شرایط اقتصادی خوبی ندارد و قطعا فقر خانواده‌ها در مناطق کم‌برخوردار باعث می‌شود حمایت خانواده از آموزش کمتر شود. در کنار این، نبود سیاست‌های درست حمایتی نیز از مدرسه که همان پیش‌دبستانی است، باعث می‌شود کودکانی که از طبقات پایین‌تر هستند، آغاز یکسانی با کودکان طبقه متوسط و بالا نداشته باشند. درواقع شش یا هفت دهک ما می‌توانند هزینه پیش‌دبستانی را پرداخت کنند و موضوع دیگر نحوه آموزش دروس است که به تخصص معلم‌ها برمی‌گردد و ما دچار مشکل هستیم. بیش از ۷۰ درصد مربی‌های پیش‌دبستانی آموزش ضمن خدمت و بدو خدمت درستی ندیده‌اند. همه اینها در کنار هم به سقوط کامل می‌انجامد و متأسفانه نهاد مدرسه که سال‌ها برای آن زحمت کشیده بودیم، به نهادی که کمارکرد و بی‌کار تبدیل شده و به نظرم امکان دارد از بین برود. یکی از پایه‌ای‌ترین نهادهایی که همبستگی اجتماعی را ایجاد می‌کرده و می‌توانسته در کاهش نابرابری مداخله داشته باشد، به این صورت از بین خواهد رفت که اثری مستقیم بر آموزش عالی خواهد داشت».

کمتر نابرابر: استدلال‌هایی تجربی برای تأکید بر اهمیت آموزش پیش از دبستان

سمانه کلاب
دکترای اقتصاد و فعال مدنی

برابری فرصت‌ها یکی از ارکان توسعه پایدار است و دسترسی به این مهم یکی از اهداف اصلی نظام‌های آموزشی به شمار می‌رود. با این وجود، این ایده که نظام آموزشی می‌تواند به ایجاد فرصت‌های برابر کمک کند، دهه‌هاست با نقدهای جدی همراه بوده است. یکی از مهم‌ترین نقدها به سیستم آموزشی را بوردیو مطرح کرده است. آنچه بوردیو در نقد خود به نظام آموزشی بر آن تکیه دارد، تفاوت بین سرمایه‌های اولیه کودکان (سرمایه فرهنگی به‌طور خاص) درون خانواده با محیط اجتماعی خارج از مدرسه است که می‌تواند حتی در شرایط یکسان آموزشی نیز خروجی‌های بسیار نابرابر ایجاد کند. به این معنا که کودکانی با سرمایه‌های اولیه بالاتر، دریافتی بیشتری نیز از نظام آموزشی دارند. هرچند نقد بوردیو به سیستم آموزشی می‌تواند از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و چالش باشد (کم‌توجهی به نابرابری‌های اقتصادی، ساختاری و جنسیتی)، اما می‌توان یک نتیجه اولیه را نیز از آن داشت: هرقدر که نظام آموزشی بتواند پیامدهای این نابرابری‌های بیرونی را کاهش دهد، می‌تواند ابزار مؤثرتری در کاهش نابرابری‌های بعدی باشد.

آموزش پیش از دبستان از همین منظر می‌تواند مورد توجه باشد. با توجه به اینکه این آموزش‌ها در سنی ارائه می‌شوند که سن طلایی رشد به حساب می‌آید، اثرات مهم و پایداری بر یادگیری کودکان دارند. از طرف دیگر، با این فرض که دسترسی برابر به آموزش‌های پیش از دبستان وجود داشته باشد، می‌توان امیدوار بود کمبودهای محیطی درون خانواده تا حدی جبران شده و دسترسی به منابع آموزشی برای کودکان برابرتر شود.

داده‌های آماری نیز تا حدی این یافته‌ها را تأیید می‌کنند. بر اساس داده‌های بونسیف از مطالعه ۴۸ کشور با سطح درآمدی متفاوت که در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به دست آمده است، مشخص می‌شود آموزش‌های پیش از دبستان می‌تواند کودکان را بیشتر و بهتر در مسیر آموزش مهارت‌های آماده برای کار رقم‌زند. این ارگذاری بدون توجه به سطح درآمدی کشورها برای همه دیده می‌شود، اما درباره کشورهای با درآمد پایین، این ارگذاری بسیار بیشتر است. (نمودار ۱)

منبع: Computations by UNICEF, based on MICS and DHS (datasets) 2010–2015

همین الگو درون کشورها و بین طبقات مختلف اقتصادی نیز وجود دارد؛ به‌طوری که آموزش‌های پیش از دبستان به ارتقای مهارت‌های همه کودکان کمک می‌کند، اما ارگذاری آن برای کودکان در خانواده‌هایی با درآمد کمتر، بیشتر است.

داده‌هایی که مؤسسه آکسفام در گزارش «قدرت آموزش در نبرد با نابرابری» ارائه می‌دهد نیز بر این امر صحه می‌گذارد. بر اساس گزارش این نهاد، سرمایه‌گذاری بر روی فقیرترین کودکان در زمانی که بسیار کم‌سن هستند، برای رسیدن به نتایج تحصیلی برابر بسیار مهم است. برای مثال در برزیل دخترانی از خانواده‌های فرزندش برای این آموزه‌های قبل از مدرسه ثبت‌نام نمی‌کند. بنابراین شکاف اقتصادی و فرهنگی باعث تداوم این وضع شده است. این پژوهشگر به اهمیت وجود نابرابری فرهنگی و اقتصادی حال حاضر می‌پردازد که به‌طور جدی در وضعیت تحصیل و سیستم آموزشی اثر خواهد داشت و بررسی‌های «شرق» در استان‌های مختلف کشور هم همین را نشان می‌دهد. ایشان در شروع صحبت‌هایش به «شرق» می‌گوید: «خانواده‌هایی که از نظر فرهنگی و اقتصادی پایین‌تر هستند، قطعا کودکان‌شان توانایی‌های کمتری برای ورود به مدرسه دارند. با همه این مسائل، برقراری پیش‌دبستانی باکیفیت، کار سخت و دشواری نخواهد بود و فقط نیاز به برنامه‌ریزی دارد. مثلا در نیمه دهه ۹۰ که نهضت نسبتا خوبی ایجاد شد، پیش‌دبستانی‌ها تا حدی کیفیت داشتند. بنابراین ما با تدابیری می‌توانیم به‌صورت تدریجی این شرایط را فراهم کرده و امکانات برای پیش‌دبستانی را همه‌گیر کنیم. در اولین قدم یک مطالعه‌گری در همه سطوح از جامعه، متخصص‌ها و مدیران برای پرورش انجام شود. یعنی یک سیاست حمایتی در شرایط سخت جامعه برای پیش‌دبستانی در نظر گرفته شود».

این پژوهشگر حوزه پیش‌دبستانی به مانع اقتصادی و فرهنگی برخی خانواده‌ها برای افراد به حضور کودک‌شان به پیش‌دبستانی اشاره می‌کند و

گزارش

مشکلات عیان که بحران خواهد شد

فرحناز نژادغفوری

من پس از ۱۱ سال تدریس در مقطع ابتدایی، از سال ۹۵ در مرکز جامع سنجش، آموزش، توان‌بخشی و مداخله بهنگام رشدی-تربیتی قشم شاغل هستم که با تغییر رویکرد سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی کشور، علاوه‌بر پذیرش دانش‌آموزان مدارس ابتدایی باید اول تا ششم دارای مشکلات ویژه یادگیری، سنجش بدو ورود به دبستان نوآموزان را نیز انجام می‌دهیم. تاکنون سنجش آمادگی تحصیلی بیش از هزارو ۵۰۰ نوآموز قشمی را انجام داده‌ام.

بیشتر دانش‌آموزانی که با عنوان اختلال یادگیری ارجاع شده بودند، در خواندن و نوشتن مشکل داشتند و سواد پایه برای درک مطلب نداشتند. با ارزیابی‌های انجام